طبقه بندی ِدلالی ارتکازات

ببینید ارتکاز لسان ندارد که شما بتوانید اصلة الاطلاق و عموم و تصریح و این ها را از آن بگیرید، این طور است. ارتکاز برای یک چیزی است. اما این را هم بگوییم که اصلاً قدرت لسانی ندارد، این هم قبول نیست. اگر ارتکاز متشرّعه بر این است که وقتی مواجه با کار میشوند، از این کار مشمئز نمیشوند به عنوان متشرع. این ارتکاز لسان ندارد؟ بله لسان ندارد در اینکه وقتی مشمئز نمیشود حال مکروه است، واجب است، مستحب است؛ امّا در اصل عدم الحرمة که لسان دارد. من که میگویم لسان دارد یعنی کار ِهمان لسان را انجام میدهد. یعنی از حیث تمامیت مطلب و مفاد خودش، قطعی و صد درصد است.

بنابراین حتماً یک کار ضروری نیاز دارد -و الآ داریم اشتباه میکنیم -و آن طبقه‌بندی ارتکازات است؛ این که ارتکاز را رده‌بندی کنیم، به نحوی که یک مرتبه‌ای از آن بشود: در حکم ِلسان، یک مرتبه‌ای از آن بشود: «لا لسان». این خیلی مهم است و الآ یک مراحلی میرسد که نه تنها کار، ادعایی میشود و به ارتکازات شخصی برگشت می کند بلکه بعضی جاهایش به اشتباه قطعی هم منجر میشود.

اصل اینکه این ارتکاز قابل تحلیل است، قابل دفاع است،برای ذهن من صاف است. اما بدون آن رده بندی، نه. هنوز خیلی کمبود است ، در اینکه ما هر کجا ارتکازی برای ذهن همه متشرعه ثابت شد، اوّل الکلام این است که باید بستری که آن ارتکاز در آن محقق است، تحلیل کنیم با یک ضوابطی. بعضی ضوابطش، این چند سال در ذهن من بوده است، عرض کردم. روی بعضی‌هایش هنوز، باید بحث بشود. هر چه بیشتر مباحثه کنیم، زوایای بحث روشن میشود.

خود عرف ارتکازات دارد،میزْش هم برایش مشکل است. اما وقتی، ذهن او را تمیزی دادیم - به علم آگاهانه‌ی او به ارتکاز خودش، کاری ندارم.حتی ارتکاز او برای خودش، ناآگاهانه باشد- ، وقتی ضابطه گذاشتیم که ارتکازات را جدا کنیم.استنطاق از ارتکاز او میکنیم. به آن چه که واقعا ارتکاز او است استنباط میکنیم، نه آن چیزی که خودش از ارتکازش ابراز میکند.

اگر مطلب سر برسد و ضوابطش پیاده شود، گمانم این است که شبیه اعداد گنگ است. یعنی میبینید که درصد صدق ِحاصل شده از قضایای اینچنینی، از درصد صدق ِاستظهار ِلفظی بالاتر است. ولی وقتی مبادیاش مدوّن نشده، الآن این مشکلات را داریم.

توسعه‌ی ادله؛افزایش صراحت ِلسانی ارتکاز

یکی از چیزهایی که اتفاقاً لسان‌بندی ارتکاز را، صراحت ِلسان ارتکاز را بالا میبرد، سقفش را افزایش میدهد این است که به کلمات ِبیشتر، مجموعاً یکجا بتوانیم نگاه کنیم. مثلاً، ۱۰۰ سال پیش، فقها وقتی همه را نگاه میکردند، آخرش نمیفهمیدند حال آن حرمت مقابل کراهت است، یا یعنی کراهت شدیده؟ وقتی حوزه‌ی دید آن‌ها نسبت به اصل منابع بیشتر شد، مطمئن میشوند کراهت شدیده است یا حرمت است.

بازبینی #1
ایجاد شده 25 فوریه 2025 10:29:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 فوریه 2025 10:29:34 توسط ... .